

تا حالا فلسفه‌بافی کردین؟ مثل این که فلسفه زندگی چیه و یا چرا باید توی دنیا بی‌عدالتی وجود داشته باشه؟ امروز می‌خوام از موضوعی براتون بنویسم که هر از چندگاهی ذهنم شروع می‌کنه به فلسفیدن در موردش یا هر وقت یه خلأ یا اشتباهی یه جا می‌بینم، ذهنمو درگیر می‌کنه. می‌خوام از جامعه‌ای براتون بگم که هیچ عیب و ایرادی نمی‌شه بهش وارد کرد، یه دنیای ایده‌ال که همه‌چی سر جای خودش، یا بهتر بخوام بگم، همه‌چی در گل و بلبل‌ترین حالت ممکن به سر می‌بره ... توی فلسفه به این وضعیت می‌گن یوتوپیا یا همون آرمان‌شهر، بهش مدینه فاضله هم می‌گن. حتماً یکی از این‌ها رو شنیدین.

به نظر شما اصلاً چنین وضعیتی می‌تونه اتفاق بیفته؟ می‌شه هیچ وقت هیچ بچه‌ای گرسنه نباشه یا هیچ فسادى توی جامعه اتفاق نیفته؟

فلسفه به شما یاد می‌ده به هستی و چیستی اتفاق‌ها و پدیده‌ها فکر کنید و به اصطلاح، مدارج دانایی رو طی کنید یا این که آخرش مثل سقراط فریاد بکشید: «نمی‌دانم» ...

شما سعی می‌کنید فلسفه رو توی زندگی روزمره‌تون به کار بگیرید؟ راجع به چیستی موجودات به فکر فرو برید و سخت بهش فکر کنید، مثلاً به فلسفه سیبی که از درخت می‌افته فکر می‌کنید؟ (الان که دارم خوب فکر می‌کنم، می‌بینم نیوتون هم یه پا فیلسوف بوده) اگر این کار رو می‌کنین، همین الان هم در آستانه فیلسوف شدن هستین. اگر هم هنوز به این درجه نرسیدین با خوندن این کتاب حتماً به این درجه عالی دست خواهید یافت ...

تشکر از مؤلف‌های خوبمون خانم دکتر فاطمه نیک‌محتشم، آقایان مجید قدرتی‌پور و محمدحسین حسینی که برای رسوندن این کتاب خیلی تلاش کردند و تشکر از همه دوستان خیلی سبز.

تفکراتون سبز

به نام پروردگار حکیم

تمام سعی‌مان بر آن بود که کامل باشد و بی‌نقص! پس از مدت‌ها تلاش و کار مداوم، اکنون با خیال آسوده می‌توانیم آن را به دستان توانمند شما بسپاریم. می‌دانیم که در این سال سرنوشت‌ساز و طلایی می‌تواند راهگشایی باشد برای رخنه در ذهن پرسشگر و پویای شما ...

قطعاً این اثر با همت بسیاریانی توانست به سرانجام برسد. کوشیده‌ایم تا همهٔ مطالب به صورت مفهومی و دقیق به شما عزیزان انتقال یابد تا ابهامات و نکات چالش‌برانگیز درس شیرین فلسفه، رفع و یا به حداقل برسد. گرچه توضیحات در برخی قسمت‌ها عمیق‌تر از کتاب درسی است؛ اما همین موضوع باعث می‌شود پیشینهٔ ذهنی قوی‌تری نسبت به مطلبی که قرار است بیاموزید، داشته باشید.

بخش‌های اصلی کتاب عبارتند از:

۱ درس‌نامه: آن‌چه نیاز است در مورد هر درس بدانید در این قسمت آورده‌ایم. تا حد ممکن با زبان ساده و روان و ادبیاتی که فهم مطالب را برای شما آسان می‌کند!

استفاده از مثال‌ها، نمودارها و جداول به تسریع یادگیری کمک می‌کند. ناگفته نماند که در خلال درس‌نامه، قسمت‌های تمرینی کتاب درسی مانند بررسی، به کار بندیم، مقایسه و ... پوشش داده شده است.

۲ حالا تو بگو: در هر قسمت که نیاز است مطلبی در ذهنتان جا بیفتد تا به قسمت بعدی برویم، چند سؤال در این کادر مطرح شده تا با پاسخ‌دادن به آن‌ها مطمئن شوید که آن بخش را به طور کامل فراگرفته‌اید و آمادهٔ رفتن به بخش‌های جلوتر هستید.

۳ خلاصهٔ درس: گاهی نیازمند مرور سریع هر درس هستید! مهم‌ترین نکات هر درس به صورت خلاصه در اختیاران قرار گرفته تا بتوانید در حداقل زمان ممکن به جمع‌بندی برسید.

۴ سؤالات امتحانی: آن‌چه لازم است تا به درس به صورت حافظه‌ای و مفهومی تسلط کامل و کافی پیدا کنید، در قالب سؤال در این قسمت آورده شده. ویژگی مهم این قسمت این است که تنها به بررسی موارد پرتکرار بسنده نشده و از نکته‌های پکر و دور از ذهنی که سؤال‌خیز است نیز سؤالاتی مطرح گردیده است. این قسمت دربردارندهٔ نکات تست‌های کنکور سراسری اما به صورت تشریحی نیز می‌باشد که می‌توان آن را وجه تمایز این کتاب از سایر کتب موجود دانست.

آزمون نهایی اخیر و طرح سؤالی تحت عنوان «درک و فهم فلسفی» رویکرد جدیدی از طراحی امتحان نهایی فلسفه را نشان داد! به همین دلیل در این اثر، تا جای ممکن سؤالاتی به شیوهٔ جدید و نوین و خلاقانه مطرح شده تا آمادگی رویارویی با چنین سؤالاتی در جلسهٔ امتحان نهایی دور از ذهن شما نباشد.

۵ پاسخ‌نامهٔ تشریحی: به صورت کاملاً تشریحی، روان و آسان به توضیح و روشن‌سازی سؤالات امتحانی پرداخته شده تا هر سؤال را به شیوهٔ مفهومی و عمیق فراگیرید.

۶ آزمون‌ها: به منظور جمع‌بندی و تکمیل یادگیری، ۵ دورهٔ آزمون به صورت شبیه‌سازی شده و کمی چالشی‌تر از امتحان نهایی به کتاب فوق ضمیمه کرده‌ایم تا بتوانید خود را محک بزنید و در مواردی که نیازمند تکرار بیشتر یا رفع مشکل هستید، اقدام نمایید تا موفقیت شما تضمین گردد. پاسخ تشریحی هر آزمون نیز به صورت نکته‌ای و دقیق در دسترس شماست.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از مجموعهٔ وزین خیلی‌سبز و همکاری و همراهی دلسوزانهٔ جناب آقای بهروزی‌فر و خانم الهامی عزیز که در بازبینی و تهیهٔ اثر حاضر ما را همراهی کردند، تشکر نماییم.

آرزو می‌کنیم همهٔ شما فرزندان عزیزمان روزی بر بلندای سکوی افتخار بایستید. قطعاً سیر زندگی جاده‌ایست بی‌انتهای به سوی زیبایی‌ها، گرچه این جاده ممکن است ناهموار و پر از دشواری باشد، اما قطعاً می‌توانید با توکل بر خدا و دستان پرتلاش و ذهن پویای خود، با هر چالشی روبه‌رو شوید و بر مشکلات فائق آیید.

فهرست

درس‌ها

۸	درس اول: هستی و چیستی
۱۷	درس دوم: جهان ممکنات
۲۵	درس سوم: جهان علی و معلولی
۳۶	درس چهارم: کدام تصویر از جهان؟
۴۴	درس پنجم: خدا در فلسفه (۱)
۵۴	درس ششم: خدا در فلسفه (۲)
۶۴	درس هفتم: عقل در فلسفه (۱)
۷۳	درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)
۸۲	درس نهم: آغاز فلسفه در جهان اسلام
۹۱	درس دهم: دوره میانی
۱۰۱	درس یازدهم: دوران متأخر
۱۱۲	درس دوازدهم: حکمت معاصر

پاسخ‌نامه تشریحی

۱۲۱	پاسخ سؤال‌های امتحانی
-----	-----------------------

امتحانات

۱۴۵	مشاوره شب امتحان
۱۴۶	امتحان نوبت اول (آزمون شماره ۱)
۱۴۸	امتحان نوبت اول (آزمون شماره ۲)
۱۵۰	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۳)
۱۵۲	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۴)
۱۵۴	امتحان نوبت دوم (آزمون شماره ۵) (نهایی خرداد ۱۴۰۴)
۱۵۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شماره ۱)
۱۵۶	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت اول (آزمون شماره ۲)
۱۵۷	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۳)
۱۵۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۴)
۱۵۸	پاسخ سؤال‌های امتحانی نوبت دوم (آزمون شماره ۵)

درس ۱: هستی و چیستی

سلام رفقا! مالتون چه طوره؟ آماده‌اید با هم مرزهای فلسفه رو جابه‌جا کنیم؟ برو بریم ...

قبل از شروع درس اول از تون می‌فوام هواستون باشه پارسال چیا فوندریم. اوایل سال یه ذره در مورد دانش فلسفه، هستی‌شناسی و مسائل بنیادی پیرامون وجود صحبت کردیم. بعضش کم‌کم رفتیم سراغ معرفت‌شناسی و موضوع مهمی به نام «شناخت»؛ همون‌جا هم اسم پندتا فیلسوف و مکتب فلسفی رو یاد گرفتیم که اتفاقاً امسال هم با بعضیاشون هسابی کار داریم. اول می‌فوایم یه ذره بیشتر در مورد «وجود» و موجودات اطرافمون صحبت کنیم و بعضش هم پردازیم به موضوع یزدایی به نام «علیت». ولی طبیعتاً قبل از این‌که کارمونو شروع کنیم باید یک سری پیش‌نیازها رو تو این درس و درس بعدی پاس کنیم.

هستی و چیستی

همه ما با دو مفهوم «هستی» (= وجود) و «چیستی» (= ماهیت) آشنا هستیم و بارها و بارها از آن‌ها استفاده کرده‌ایم، چون از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان‌ها است؛ (مثلاً در مواجهه با یک غذای مملی میدید از فودمون می‌پرسیم «این دیگه چیه؟» یا مطمئناً فیلیامون به این مسئله فکر کردیم که آدم فضایی‌ها وجود دارن یا نه). فلاسفه علاقه خاصی به درک این دو مفهوم پرکاربرد و رابطه میان آن‌ها دارند. به همین خاطر قدم‌هایی را برای درک بهتر آن دو طی می‌کنند که ما در این درس به آن‌ها می‌پردازیم.

قدم اول (قبول واقعیت و امکان شناخت آن) همه ما از زمان کودکی با واقعیت‌هایی در اطرافمان روبه‌رو شده‌ایم و نسبت به آن‌ها شناخت پیدا کرده‌ایم؛

مثلاً: هنگام گرسنگی و تشنگی به سراغ غذا و آب رفته‌ایم. هنگام ناراحتی با دلداری دادن از سوی عزیزانمان آرام گرفته‌ایم.

مطمئناً اگر «غذا» و «آب» وجود نداشتند، ما نمی‌توانستیم خواص آن‌ها را بشناسیم و برای رفع عطش و گرسنگی از آن‌ها استفاده کنیم. این الگوی رفتاری فطرتاً (ذاتاً - طبیعتاً) در ما وجود دارد و بارها در زندگی ما تکرار می‌شود:

شکل‌گیری نیاز (تشنگی) ← استفاده از ابزار و وسایل پیرامونمان (آب و لیوان) → رسیدن به هدف (رفع عطش)

این رفتار طبیعی بیانگر آن است که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی وجود دارند که می‌توانیم آن‌ها را بشناسیم و برحسب نیاز از آن‌ها استفاده کنیم. به بیان دیگر ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.

فب معلومه دیگه!! آگه دور و بر ما چیزی وجود نداشت چه پوری می‌فواستیم زندگی کنیم؟ با چیزی از تفیلی و ذهنی که نمی‌شه امرار معاش کرد ... کی تا الان تونسته با فکر کردن به آب سیراب بشه یا با تصور کردن پول، میلیاردر بشه؟! حالا تمرین زیر رو حل کنید که مطلب قشنگ براتون یا بیفته؛

حالا تو بگو

- ۱- این‌که هنگام گرسنگی و تشنگی به سراغ غذا و آب می‌رویم یا هنگام غم و اندوه به آغوش عزیزانمان پناه می‌بریم، کدام اصل فلسفی را به خاطر می‌آورد؟
- ۲- همه ما از زمان کودکی با پیرامونمان روبه‌رو شده و نسبت به آن‌ها پیدا کرده‌ایم.

پاسخ: ۱ این اصل که می‌دانیم در اطراف ما چیزهایی واقعی وجود دارد که برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم و نیازمان را برطرف می‌سازیم. (تو فلسفه، به این اصل که ما اشیا و اطرافمان رو واقعی می‌دونیم، «اصل واقعیت مستقل از ذهن» می‌گن). **۲** واقعیت‌های / شناخت (علم)

قدم دوم (تفاوت مفهومی هستی و چیستی) کودکی رادر باغ وحش تصور کنید که در مورد چیستی (ماهیت) حیوانات مختلف از پدر خود سؤال می‌کند و می‌خواهد اطلاعات بیشتری در مورد این موجودات به دست آورد. طبیعتاً این کودک برای بیان خواسته خود، به حیوانات مختلف اشاره می‌کند و می‌پرسد: «پدر! این چیست؟» پدر: «نام این موجود زرافه است که گردن بلندی دارد و به کمک آن می‌تواند از برگ درختان تغذیه کند و ...» همین رفتار کودک نشان می‌دهد که او از قبل می‌داند که آن حیوانات وجود دارند (چراکه به آن‌ها اشاره می‌کند) اما ماهیت (چیستی) آن‌ها برایش مشخص نیست.

۱. همین که با لفظ «این» یا «آن» به چیزی اشاره می‌کنیم، یعنی به هستی‌اش پی برده‌ایم.

این مثال ساده نشان می‌دهد که: **۲.** وقتی می‌گوییم «چیست؟» یعنی چیستی (ماهیت) آن چیز را نمی‌دانیم و در پی دانستن آن هستیم.

۳. دو مفهوم «هستی» (وجود) و «چیستی» (ماهیت) با یکدیگر متفاوت‌اند.

اشیای پیرامون ما و موجوداتی که به نحوی از وجودشان اطلاع داریم، مانند سیاره‌هایی که تنها با تجهیزات پیشرفته قابل رؤیت هستند یا موجودات غیرمادی همچون فرشتگان (یعنی همه موجودات جهان)، در یک ویژگی مشترک هستند: «وجودداشتن» از طرف دیگر، همه ما می‌دانیم که اشیا و موجودات پیرامون ما ویژگی‌های خاصی دارند که آن‌ها را از سایر موجودات متمایز می‌کند؛ مثلاً «تختخواب» و «پنجره» ویژگی‌ها، خواص و در نتیجه کاربردهای متفاوتی دارند.

در فلسفه و منطق به ویژگی‌های خاص هر موجود، «ذاتیات یک شیء» گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر هنگامی که از «چیستی هر شیء» (ماهیت) سخن می‌گوییم، منظورمان همان ذاتیات ویژه هر چیز است. (چیستی = ماهیت = ذات)

پس کودکی که در باغ وحش در مورد چپستی حیوانات سؤال می‌پرسد، در اصل در پی دانستن ذاتیات و ماهیت خاص آن حیوانات است؛ به عنوان مثال می‌خواهد بداند که فرق پلنگ و ببر در چیست! یا این که چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود پلنگ از ببر جدا شود؟ بنابراین به طور خلاصه می‌توان به دو نکته کلیدی در این باره اشاره کرد:

۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «موجود بودن» و «چپستی داشتن».

۲- «وجود» وجه مشترک موجودات است و «ماهیت» وجه اختصاصی آن‌ها.

هواستون باشه داریم در مورد «موجودات» حرف می‌زنیم، نه مفاهیم خیالی مثل سوپرمن و مرد عنکبوتی!! اون‌ها که اصلاً وجود ندارند. چیزهایی که موجودند، مثل من و شما و این کتاب، به قاصدیت مشترک دارن که همون موجود بودنشونه. ولی معلومه که ذاتیاتشون و در نتیجه ماهیتشون با هم فرق داره و همین می‌شه وجه اختصاصی شون.

حالا تو بگو

۱- هنگامی که کودک می‌پرسد: «این چیست؟» لفظ «چیست» نشان می‌دهد که او در پی دانستن آن شیء است.

۲- وقتی می‌پرسیم «این چیست؟» لفظ «این» نشان می‌دهد که به آن شیء پی برده‌ایم.

۳- رفتار کنجکاوانه کودکان نشان می‌دهد که آنان درکی از مفهوم «وجود» و «ماهیت» ندارند. (درست / نادرست)

۴- منظور از ذاتیات یک مفهوم چیست؟

پاسخ: ۱- ماهیت (یا همان چپستی) ۲- هستی (وجود) ۳- نادرست؛ رفتار کنجکاوانه و پرسشگرانه کودکان نشان می‌دهد که آنان از قبل با دو مفهوم «هستی» و «چپستی» آشنا هستند. ۴- همان ویژگی‌های مخصوص و منحصر به فردی است که موجب تمایز آن مفهوم با سایر مفاهیم می‌شود که به آن ماهیت می‌گویند.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

۱- در اطراف ما اشیای فراوانی وجود دارند که هم چپستی (ماهیت) آن‌ها را می‌شناسیم و هم از هستی (وجودشان) خبر داریم؛ مانند: درخت و کوه که همگی می‌دانیم وجود داشته (وجه اشتراک موجودات) و ذاتیات مخصوص خود را دارند (وجه اختصاصی موجودات) و به همین خاطر با یکدیگر متفاوت‌اند.

۲- گاهی با چیزهایی روبه‌رو می‌شویم که از «هستی»‌شان خبر داریم، اما «ماهیت» آن‌ها به خوبی برای ما روشن نیست.

مثال: کودکی که به باغ وحش رفته بود، نمونه بارز این حالت است. یا هنگامی که شما سایه‌ای را در دوردست می‌بینید، متوجه وجود چیزی می‌شوید که سایه متعلق به آن است، اما ماهیت آن چیز برایتان مشخص نیست. یعنی می‌دانیم که چیزی هست، ولی نمی‌دانیم که چیست؟ هواستون باشه که تو این حالت هم اون شیء نامشخص، ماهیت داره (اصلاً ممکن نیست شیئی ماهیت نداشته باشه، ممکنه ما ماهیتش رو ندونیم!)

۳- هم چنین می‌توانیم «ماهیت»‌های فراوانی را تصور کنیم که می‌دانیم حداقل تاکنون «وجود» نداشته‌اند.

مثال: خیلی از شخصیت‌های داستانی و سینمایی اینگونه‌اند. شاید در ذهنمان تصوراتی درباره شخصیت‌هایی همچون دیو، شیر سه سر، اژدها، بتمن، سوپرمن، مرد عنکبوتی یا میکی‌ماوس داشته باشیم (یعنی هر کدام از آن‌ها ذاتیات مخصوص خود را دارند و ما هیچ‌گاه آن‌ها را با یکدیگر اشتباه نمی‌گیریم)، اما می‌دانیم که در حال حاضر وجود خارجی ندارند.

همه این مثال‌ها نشان می‌دهند که وجود و ماهیت دو مفهوم مجزا و متفاوت هستند.

قدم سوم (تمایز ذهنی و وحدت مصداقی هستی و چپستی)

یادآوری: این شبکه رو یادته؟ آله فوب یارت باشه سال دهم فونه بودیم «مفهوم» مابه‌ازای ذهنی مصداق و «مصداق» مابه‌ازای قارچی مفهوم. پس پایگاه مفهوم در ذهن و پایگاه مصداق در قارج از ذهنه. مثلاً در جهان قارج موجودی داریم به نام «درخت»؛ ذهن ما آتما این طوری کار می‌کنه که برای هر موجود قارچی یک تصور ذهنی درست می‌کنه (یا به عبارتی مفهوم‌سازی می‌کنه) و هر وقت اون موجود قارچی رو می‌بینی یا اسمشو می‌شنوی یاد اون تصور می‌افتی. به عبارت دیگه به هر شیء قارچی که مفهوم بر اون صدق می‌کنه مصداق می‌گوییم. حالا که فرق مفهوم و مصداق یادتون اومد بریم سراغ بیان تفاوت وجود و ماهیت از نگاه قارچی و این سینا!

قارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به رابطه میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه کرد و درباره تمایز این دو مفهوم، نکاتی را مطرح کرد.

ابن سینا در این زمینه ادامه‌دهنده راه او بود و تفاوت میان وجود و ماهیت را در قالب مقایسه آب از نگاه علم شیمی و علم فلسفه بیان کرد. او بیان می‌دارد که وقتی می‌گوییم هستی و چپستی یک شیء، دو مفهوم در قالب یک مصداق واحد تجسم می‌یابند. (یعنی وجود و ماهیت صرفاً در عالم ذهنی متفاوت و مغایر هستند، اما در عالم واقعیت در یک موجود واحد عینیت پیدا کرده‌اند؛ این دو مفهوم در جهان خارج قابل جداسازی نیستند، می‌دانید چرا؟ چون ۱- جزء چیزی نیستند. ۲- با چیزی ترکیب نشده‌اند. ۳- با چیزی جمع نشده‌اند. به عبارت دیگر این جزء چیزی بودن و ترکیب و جمع شدن از خواص ماده است، حال آن‌که بحث مغایرت وجود و ماهیت مبحثی است عقلانی و فلسفی!

بنابراین آب را که یک ماده است از دو جهت می‌توان مورد بررسی قرار داد:

آب: از نگاه علم شیمی: ترکیبی از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن است؛ یعنی اکسیژن و هیدروژن دو جزء اصلی مولکول آب هستند. از نگاه علم فلسفه: موجودی واحد است که انسان دو مفهوم مختلف چپستی و هستی را از همین موجود به دست می‌آورد.

این یعنی در جهان خارج یک مصداق واحد (آب) وجود دارد و ما در ذهنمان دو مفهوم متفاوت از آن دریافت می‌کنیم:

۱) مفهوم وجود (هستی) یعنی می‌روئیم که آب وجود دارد.

۲) مفهوم ماهیت (چیستی) یعنی می‌روئیم که آب پیه و په فصوصیاتی دارد.

پس «وجود آب» و «آب بودن» دو مفهوم مختلف از یک موجود واحد (آب) هستند. به عبارت دیگر «هستی آب» و «چیستی آب» در ذهن ما دو مفهوم متفاوت است که در عالم خارج دارای یک مصداق واحد هستند و اگر بخواهیم گام سوم را در یک عبارت خلاصه کنیم، می‌توان گفت: وجود و ماهیت در ذهن از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی در واقعیت از هم جدا نمی‌شوند.

پس نتیجه می‌گیریم که وجود و ماهیت دو جزء یک شئ نیستند، بلکه دو جنبه، حیثیت، وجه، یا دو مفهوم مختلف از یک چیز هستند.

با توجه به توضیحات ارائه‌شده نتایج فلسفی زیر حاصل می‌شود:

۱) مغایرت (تمایز) وجود و ماهیت در ذهن

۲) عینیت (وحدت) وجود و ماهیت در خارج یا واقعیت

حالا تو بگو

۱- در عالم خارج «وجود» و «ماهیت» شئی را تفکیک کرد. ☐ (۱) می‌توان ☐ (۲) نمی‌توان

۲- چگونه ممکن است که «وجود» و «ماهیت» دو مفهوم مغایر و در عین حال تفکیک‌ناپذیر تلقی شوند؟ (با ذکر مثال)

پاسخ: ۱) گزینه «۲»؛ نمی‌توان. تفکیک این دو مفهوم تنها در ذهن امکان‌پذیر است. ۲) تفاوت و مغایرت این دو مفهوم در ذهن و از جهت ماهیت است اما در عالم خارج در قالب یک مصداق واحد تحقق می‌یابند. به عنوان مثال «درخت» دارای یک مصداق خارجی واحد و یکسان است، اما می‌توانیم در ذهنمان «ماهیت درخت» و «وجود درخت» را تفکیک کرده و جداگانه بررسی کنیم.

قدم چهارم (یکی از دلایل مغایرت وجود و ماهیت) همان‌طور که گفته شد این سینا تأکید بسیاری بر تفاوت دو مفهوم وجود و ماهیت داشت و این نظریه را به عنوان (مغایرت وجود و ماهیت) نام‌گذاری کرد و برای اثبات آن نیز دلایلی را ذکر کرد. او با ذکر تفاوت حمل محمول بر موضوع که از مباحث منطقی است نتیجه‌ای فلسفی گرفت. از نظر منطقی دو نوع حمل وجود دارد: ۱) حمل اولی ذاتی ۲) حمل شایع صناعی

حمل اولی ذاتی: هنگامی که قصد تعریف کردن یک مفهوم را داریم از مفاهیم دیگر برای روشن‌سازی آن مفهوم استفاده می‌کنیم. مثلاً در تعریف مثلث می‌گوییم «شکل سه‌ضلعی». در این مثال شکل و سه‌ضلعی مفاهیمی هستند که با کمک آن‌ها مثلث را تعریف کرده‌ایم.

در علم منطق، هر مفهوم تعریف مشخصی دارد و به مفاهیمی که از آن‌ها برای تعریف یک مفهوم استفاده می‌شود، اجزای تعریفی آن مفهوم گفته می‌شود. بنابراین اجزای تعریفی یک مفهوم:

۱) جزء ذاتیات آن مفهوم هستند. ۲) از آن مفهوم جدایی‌ناپذیرند. ۳) حمل آن‌ها به مفهوم مورد نظر، به دلیل نیاز ندارد.

به این نوع حمل که بیان‌کننده ذاتیات آن مفهوم است، حمل اولی ذاتی (ماهیت بر ماهیت) گفته می‌شود.

حمل شایع صناعی:

۱. جزء ذاتیات آن مفهوم نیست.

۲. از آن مفهوم جدایی‌پذیر است.

۳. حمل آن بر مفهوم مورد نظر، نیازمند دلیل است چه دلیل عقلی و چه دلیل تجربی.

به این نوع حمل، شایع صناعی گفته می‌شود.

یکی از انواع این نوع حمل، «محمول وجود» است. یعنی هرگاه محمول یک قضیه «وجود» باشد، آن حمل از نوع شایع صناعی است و حمل آن بر مفهوم مورد نظر نیازمند دلیل است (چه دلیل عقلی و چه تجربی). پس در «قضیه مثلث وجود دارد» حمل وجود بر مثلث نیازمند دلیل است.

نتیجه فلسفی: حال با مقایسه این دو نوع حمل باید تفاوت و مغایرت وجود و ماهیت مشخص شود، زیرا اگر وجود و ماهیت یکسان بود، این دو قضیه تفاوتی با هم نداشتند. پس چون دو قضیه از نظر نوع حمل و نیازمندی و بی‌نیازی به دلیل با هم مغایرند؛ پس وجود و ماهیت نیز مغایر هستند. به عبارت دیگر اگر «وجود» عین ماهیت یا جزء ذاتیات آن بود، آنگاه حمل آن بر وجود به دلیل نیاز نداشت، در حالی که دیدیم حمل وجود بر هر ماهیتی همیشه نیازمند دلیل است.

حالا تو بگو

۱- در قضیه «انسان حیوان ناطق است»، اجزای تعریفی مفهوم تعریف‌شده را مشخص کنید.

۲- حمل کدام مفهوم بر «انسان» نیازمند دلیل است؟ ☐ (۱) دوبا ☐ (۲) حیوان

۳- نوع حمل را در گزاره‌های زیر مشخص کنید.

الف) انسان شاعر است. ب) مثلث قائم‌الزاویه است. پ) مثلث دارای ضلع است.

ت) مثلث دارای زاویه است. ث) خدا وجود دارد.

پاسخ: ۱) «حیوان» و «ناطق» ۲) گزینه «۱»؛ حمل «دوبا» بر انسان نیازمند دلیل است، در حالی که حمل «حیوان» بر انسان نیازی به دلیل ندارد.

۳) الف) شایع صناعی (نیازمند دلیل) - شاعر بودن جزء اجزای تعریفی انسان نیست. ب) شایع صناعی (نیازمند دلیل) - قائم‌الزاویه بودن جزء تعریف مثلث نیست و حمل آن بر مثلث به دلیل نیازمند است. پ) اولی ذاتی (بی‌نیاز از دلیل) - دارای ضلع بودن جزء تعریف مثلث است و از آن جدایی‌ناپذیر است. ت) شایع صناعی (نیازمند دلیل) - دارای زاویه بودن جزء تعریف مثلث نیست و حمل آن نیازمند دلیل است.

نکته: دقت کنید ضلع داشتن برای مثلث جزء ذات آن است، چرا که ما در تعریف مثلث می‌گوییم شکل سه‌ضلعی! اما زاویه داشتن مثلث نیازمند اقامه دلیل است و حمل شایع صناعی است؛ پس این تفاوت را مدنظر داشته باشید. ث) شایع صناعی (نیازمند دلیل) - حمل وجود بر هر ماهیت و مفهوم نیازمند دلیل و از نوع شایع صناعی است حتی اگر آن مفهوم خداوند باشد.

نکته: هر مفهوم را می‌توان به شکل‌های مختلفی تعریف کرد، اما برای امتحان نهایی این تعاریف پرکاربرد را به خاطر بسپارید:

۱ انسان = حیوان ناطق

۲ مثلث = شکل سه‌ضلعی

۳ متوازی‌الاضلاع = شکل چهارضلعی با اضلاع دوه‌دو موازی

۴ جیوه = فلز مایع

۵ لوزی = شکل چهارضلعی با اضلاع برابر

۶ مستطیل = شکل چهارضلعی با زوایای قائمه

۷ مربع = شکل چهارضلعی با اضلاع برابر و زوایای قائمه

۸ خفاش = حیوان پستاندار پروازکننده

حال دریافتیم که در مثال «مثلث شکل سه‌ضلعی است»، «شکل» و «سه‌ضلعی» همان اجزای تعریفی مثلث هستند و چستی آن را تشکیل می‌دهند و بیان‌کننده ذات و حقیقت مثلث هستند. (یا به بیان ساده‌تر، ماهیت آن را برای ما مشخص می‌کنند). خلاصه این که «مثلث» و «شکل سه‌ضلعی» دو مفهوم جدایی‌ناپذیرند و اصولاً لفظ «شکل سه‌ضلعی» برای تعریف مثلث به کار می‌رود و امکان ندارد مثلی پیدا شود که شکل سه‌ضلعی نباشد و برعکس.

بررسی

سؤال: اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» یا جزء آن بود، آیا مشکل و مسئله‌ای پیش می‌آمد؟

پاسخ: فرض ۱: اگر مفهوم وجود عین مفهوم ماهیت باشد، این یعنی ماهیت = وجود

در اینجا چند مشکل ایجاد می‌شود:

۱ هر ماهیتی را تصور کنیم (حتی موجودات وهمی و خیالی) باید حتماً موجود باشد، چون گفتی: سیمرغ = موجود و اژدها = موجود که این اشتباه است.

۲ حمل وجود بر هیچ ماهیتی نیازمند دلیل نبود، چراکه اگر دو چیز مساوی باشد بدون دلیل بر هم حمل می‌شوند. در حالی که این‌طور نیست و هر وقت ما وجود را بر ماهیتی حمل کنیم نیازمند ارائه دلیل هستیم.

مثلاً: انسان = حیوان ناطق (بی‌نیاز از دلیل) و انسان موجود است (نیازمند دلیل)

۳ همه ماهیات یکسان می‌شدند و تنوع موجودات و تفاوت آن‌ها را نمی‌شد تبیین و تعیین کرد. چون اگر قرار باشد وجود و ماهیت مساوی باشد می‌توان به جای همه ماهیات وجود گذاشت. در حالی که این‌طور نیست و ما می‌توانیم هر موجودی را براساس عنوانش از هم تفکیک کنیم.

فرض ۲: اگر مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد، مثلاً:

۱ انسان = حیوان ناطق موجود، مثلث = شکل سه‌ضلعی موجود یا سیمرغ = پرندۀ افسانه‌ای موجود، در این صورت هر ماهیتی را تصور کنیم (حتی امور خیالی) حتماً باید موجود باشد.

۲ حمل وجود بر هیچ ماهیتی نیازمند دلیل نبود، چون وجود جزئی از تعریف ماهیت به حساب می‌آید. در حالی که این‌گونه نیست و هر وقت وجود را بر ماهیتی حمل کنیم، نیازمند ارائه دلیل هستیم.

۳ در فرض جزئیت وجود و ماهیت فرض سوم پیش نمی‌آید. (یعنی این‌گونه نیست که اگر وجود جزء تعریف ماهیت باشد همه ماهیات یکسان می‌شدند، چون در این حالت باز هم هر ماهیتی اجزای اختصاصی خود را دارد که سبب تمایز آن با سایر ماهیت‌ها می‌شود.)

بازبینی

۱- با توجه به صفحه ۴ کتاب درسی آیا گزاره‌های طرح‌شده با بیان ابن سینا هماهنگ است؟

پاسخ: همه گزاره‌ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول ایشان ندارد.

۲- کدام گزاره نظر ابن سینا را بیشتر تأیید می‌کند؟

پاسخ: گزاره دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود از ماهیت را می‌رسانند، زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می‌شناسیم، اما ماهیت آن‌ها روشن نشده است. در گزاره سوم هم گفته شده که ما می‌توانیم ماهیتی را در ذهن بیاوریم در حالی که ممکن است اصلاً موجود نباشد.

گذری تاریخی

موضوع «مغایرت وجود و ماهیت» که ابن سینا تأکید زیادی روی آن داشت، بحث بسیار کلیدی و مهمی در تاریخ اندیشه اسلامی و حتی تاریخ تفکر در اروپا بوده است. به طوری که گفته‌اند «فرق بین ماهیت و وجود بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است». این نظر، پایه یکی از برهان‌های ابن سینا در اثبات وجود خدا (به نام برهان «وجوب و امکان») نیز هست، که در درس‌های آینده آن را بررسی خواهیم کرد.

نکته: عنوان‌های مشابه مغایرت وجود و ماهیت: زیادت وجود بر ماهیت - عروض وجود بر ماهیت

توماس آکوئیناس

۱ یک فیلسوف بزرگ اروپایی بود.

۲ پس از آشنایی با فلسفه ابن سینا اصل «مغایرت وجود و ماهیت» را در اروپا گسترش داد.

۳ زمینه‌ساز گفت‌وگوهای فکری و فلسفی فراوانی در اروپا شد.

۴ همچون ابن سینا اصل «مغایرت وجود و ماهیت» را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار داد.

۵ پایه‌گذار مکتب فلسفی «تومیسیم» در اروپا شد که هنوز هم مباحثات فراوانی درباره آن در جریان است.

- ❶ عمدتاً متکی بر آرای فلاسفه اسلامی است.
 - ❷ ابن سینا بیشترین تأثیرگذاری را روی آن داشته است.
 - ❸ تا حدودی هم تحت تأثیر ابن رشد بوده است.
 - ❹ از طریق آن فلاسفه غرب توانستند با اندیشه‌های فلسفی ابن سینا و ابن رشد آشنا شده و از این طریق مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند، چراکه فلسفه ابن سینا و فارابی تأثیر بسیاری از آرای ارسطو پذیرفته بود. (در درس‌های ۹ و ۱۰ در این باره صحبت خواهیم کرد).
- اصل «مغایرت وجود و ماهیت» مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه‌ساز گفت‌وگوهای مهم فلسفی در جهان اسلام نیز گردید که تا امروز هم ادامه یافته است.

حالا تو بگو

- ۱- اندیشمندان اروپا به واسطه فلسفه که ساخته یکی از فلاسفه قرن ۱۳م. بود، مجدداً با آرای ارسطو آشنا شدند.
 - ۲- زمینه‌ساز بحث‌های فراوانی در زمینه مغایرت وجود و ماهیت در اروپا شد. (۱) آکوئیناس (۲) هیوم
 - ۳- دو نمونه از فلاسفه‌ای که بر دیدگاه توماس آکوئیناس تأثیر بسیاری گذاشتند را نام ببرید.
- پاسخ:** ۱) تومیسیم ۲) گزینه «۱» ۳) ابن سینا و ابن رشد

به کار ببندیم

- ۱- قضیه «انسان موجود است.» را با کدام یک از قضایای زیر می‌توان مقایسه کرد؟
 - (۱) انسان بشر است.
 - (۲) انسان حیوان است.
 - (۳) انسان مخلوق است.

پاسخ: گزاره «۳»، در گزاره «انسان موجود است.» مطابق گام چهارم، حمل «وجود» بر «انسان» نیازمند دلیل است.

گزاره ۱: «بشر» مترادف «انسان» است و حمل مترادف‌های یک مفهوم بر خودش نیاز به دلیل ندارد.

نکته: حمل ماهیت بر یک موضوع گاه جزء ماهیت است، مثل این که در تعریف انسان بگوییم حیوان یا بگوییم ناطق و گاهی حمل، دقیقاً عین آن ماهیت است، مثل این که در تعریف انسان بگوییم بشر، یا در تعریف مثلث بگوییم شکل سه‌ضلعی.

گزاره ۲: «حیوان» از اجزای تعریفی «انسان» است و حمل آن بر انسان نیاز به دلیل ندارد.

گزاره ۳: «مخلوق» اگرچه از صفات انسان است و همه انسان‌ها مخلوق هستند، اما برای تشخیص نوع حمل در این گونه سوالات، تنها به تعریف قراردادی انسان در کتاب درسی توجه می‌کنیم که همان «حیوان ناطق» است. بر این اساس، حمل «مخلوق» بر «انسان» نیازمند دلیل است.
 - ۲- شبی علی و محمد در حال گفت‌وگو بودند. از دور سایه چیزی شبیه یک حیوان نشسته را دیدند. علی گفت: آن یک سگ است، ولی محمد گفت: آن یک گرگ است. وقتی کمی نزدیک‌تر شدند، دیدند نه سگ است و نه گرگ، بلکه یک تخته‌سنگ است!
- به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توان در مورد نسبت میان چیستی و هستی گرفت؟
- پاسخ:** هر دوی آن‌ها هنگام دیدن سایه به «هستی» آن شیء پی برده بودند، اما «چیستی» آن برایشان نامعلوم بود. آن‌ها سعی کردند ماهیت آن را حدس بزنند اما دچار خطا شده و کمی بعد به خطای خود پی بردند. همه ما ممکن است گاهی اوقات از هستی برخی چیزها باخبر باشیم، اما چیستی‌شان را ندانیم و این موضوع یکی از دلایل مغایرت وجود و ماهیت است.
- ۳- به گزاره‌های زیر توجه کنید و بگویید حمل کدام محمول بر موضوع نیازمند دلیل است و چرا؟
 - (۱) انسان حیوان است.
 - (۲) انسان شیر است.
 - (۳) انسان عجول است.
 - (۴) انسان ناطق است.
 - (۵) انسان موجود است.

یادآوری: در منطق دهم فوایدیم که در یک جمله استادی (با سافت‌اف «الف ب است.») نهاد (الف) را «موضوع» و مسند (ب) را «مفمول» می‌نامیم.

پاسخ: گزاره‌های ۱ و ۴: «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی «انسان» هستند و حمل آن‌ها بر «انسان» نیازمند دلیل نیست.

گزاره‌های ۲، ۳ و ۵: همین که بدانیم «شیر»، «عجول» و «موجود» از اجزای تعریفی انسان نیستند، برای تشخیص نوع حمل کافی است. هیچ کدام از این مفاهیم از ذاتیات انسان نیستند و لذا حمل آن‌ها بر «انسان» نیازمند دلیل است.
 - ۴- آیا در قضیه «مثلث سه‌ضلعی است.» حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است؟ چرا؟
- پاسخ:** خیر؛ چون «سه‌ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» است و جزء ذاتیات آن محسوب می‌شود و حمل ویژگی ذاتی یک چیز بر خود آن نمی‌تواند نیازمند دلیل باشد. این کار درست مثل این می‌مونه که به یه انسان بگی، پرا تو انسانی؟ پرا مثلاً در رفت نیستی؟

خلاصه مهم‌ترین نکات درس ۱

- ❶ بحث درباره دو مفهوم وجود و ماهیت و نسبت بین آن‌ها که یکی از مباحث اولیه فلسفه است.
- ❷ قدم اول ← ما انسان‌ها می‌دانیم که اشیا و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می‌توانیم به آن‌ها علم پیدا کنیم.
- ❸ استفاده ما از اشیای اطراف نشان می‌دهد که در اطراف ما چیزهایی واقعی هست که ما برحسب نیاز از آن‌ها استفاده می‌کنیم.
- ❹ قدم دوم ← هر کس با استفاده از عبارت «این چیست؟» یا «آن چیست؟» نشان می‌دهد که به وجود اشیا پی برده است، ولی ماهیت یا چیستی آن‌ها را نمی‌داند.

- ❶ ماهیت هر شیء بیان کننده ذاتیات آن شیء است. (ذاتیات یعنی ویژگی‌های مخصوص هر شیء که آن را از دیگر موجودات جدا می‌کند).
- ❷ انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: وجود، ماهیت.
- ❸ وجود وجه مشترک اشیا و ماهیت وجه اختصاصی آن‌ها است.
- ❹ قدم سوم ← وجود و ماهیت دو جنبه از شیء هستند، نه دو جزء تشکیل دهنده آن.
- ❺ وجود و ماهیت در ذهن از یکدیگر جدا می‌شوند، ولی در خارج از هم جدا نمی‌شوند.

بی‌نیاز از دلیل: حمل چیزی بر خودش: انسان بشر است. (محمول عین موضوع است)

حمل ویژگی ذاتی چیزی بر خودش: انسان حیوان ناطق است. (محمول جزء موضوع است)

نیازمند به دلیل مثال: انسان شاعر است. انسان موجود است.

❶ قدم چهارم ← حمل محمول بر موضوع به ۲ دسته تقسیم می‌شود:

- ❶ حمل وجود بر هر ماهیتی نیازمند دلیل است، چون وجود از اجزای تعریفی (ذاتی) هیچ ماهیتی نیست.
- ❷ بحث مغایرت وجود و ماهیت: پایه بحث‌های خداشناسی

سؤال‌های امتحانی

- الف) تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می‌باشد.
- ❶ - یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم هستی و وجود و تعیین نسبت میان آن‌هاست. ☒ ☐
 - ❷ - نسبت منطقی میان وجود و ماهیت تساوی است. ☐ ☒
 - ❸ - اولین قدم برای درک تفاوت میان وجود و ماهیت پذیرش اصل واقعیت ذهنی است. ☐ ☒
 - ❹ - علم به واقعیات موجود در عالم خارج از دلایل اثبات مغایرت وجود و ماهیت است. ☐ ☒
 - ❺ - هرگاه به هستی چیزی پی ببریم، ماهیت آن نیز بر ما آشکار می‌شود. ☐ ☒
 - ❻ - وجود هر شیء بیان کننده ذاتیات آن است. ☐ ☒ (نهایی دی ۱۴۰۱)
 - ❼ - وجود، وجه اختصاصی موجودات و ماهیت، وجه مشترک آن‌ها است. ☐ ☒ (نهایی شهریور ۱۴۰۲)
 - ❽ - ماهیت و چستی هر شیء بیان کننده ذاتیات آن شیء است. ☐ ☒
 - ❾ - فارابی، راه ابن سینا را در بیان نسبت میان «وجود» و «ماهیت» ادامه داد. ☐ ☒
 - ❿ - از نگاه فلسفه، آب یک موجود واحد با دو مفهوم مختلف است. ☐ ☒ (نهایی فرورد ۱۴۰۲)
 - ⓫ - در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آن‌ها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند. ☐ ☒ (نهایی شهریور ۱۴۰۰)
 - ⓬ - وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند. ☐ ☒ (نهایی دی ۹۹)
 - ⓭ - وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دارای مصداق مشترکی هستند. ☐ ☒
 - ⓮ - حمل «جسم» بر «مداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد. ☐ ☒ (نهایی فرورد ۱۴۰۰)
 - ⓯ - حمل «راست‌قامت» بر انسان، نیازی به دلیل ندارد. ☐ ☒
 - ⓰ - حمل «حیوان ناطق» بر «انسان»، به دلیل نیاز دارد. ☐ ☒ (نهایی دی ۱۴۰۰)
 - ⓱ - میان انسان به عنوان یک «ماهیت» و «وجود»، رابطه ذاتی برقرار است. ☐ ☒ (نهایی دی ۹۹)
 - ⓲ - حمل مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. ☐ ☒ (نهایی فرورد ۱۴۰۱)
 - ⓳ - در قضیه «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل سه ضلعی بر مثلث، نیازمند دلیل نیست. ☐ ☒ (نهایی فرورد ۱۴۰۳)
 - ⓴ - حمل «وجود بر انسان» با حمل «سه ضلعی بر مثلث» از یک نوع است. ☐ ☒ (نهایی دی ۱۴۰۳)
 - ⓵ - حمل هر مفهومی به جز ویژگی‌های ذاتی و اجزای تعریفی یک شیء بر خودش نیازمند دلیل است. ☐ ☒
 - ⓶ - دلیل حمل وجود بر هر ماهیتی، از طریق حس و تجربه یا عقل محض قابل شناسایی است. ☐ ☒ (نهایی شهریور ۱۴۰۱)
 - ⓷ - برای اثبات وجود هر شیئی حتماً به دلیل عقلی محض نیازمند هستیم. ☐ ☒
 - ⓸ - اگر مفهوم وجود عین ماهیت باشد، بین موجودات جهان هیچ تفاوتی دیده نمی‌شد. ☐ ☒
 - ⓹ - کثرت و تفاوت میان موجودات جهان از دلایل عدم جزئیت وجود و ماهیت است. ☐ ☒
 - ⓺ - برهان وجوب و امکان پایه بحث مغایرت وجود و ماهیت قرار گرفت. ☐ ☒

۲۷- مکتب «تومیس» هنوز هم به اسم مؤسس آن در جریان است.

۲۸- دیدگاه ابن سینا در مورد مغایرت وجود و ماهیت، تنها بر فلاسفه اسلامی تأثیر گذاشته است.

■ (ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۲۹- آغاز شناخت تفاوت هستی و چیستی پذیرش اصل است.

۳۰- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم و و رابطه میان آن‌هاست.

۳۱- این که هنگام گرسنگی به دنبال غذا می‌رویم نشان می‌دهد که در اطراف ما چیزهایی وجود دارد که از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۳۲- استفاده ما از اشیای مختلف اطرافمان، نشان‌دهنده آن است که ما آن‌ها را می‌دانیم.

۳۳- ویژگی‌های مخصوص یک شیء را در منطق و فلسفه، آن شیء می‌گویند.

۳۴- همه موجودات از نظر «وجود» با هم اشتراک دارند و اختلاف آن‌ها از جهت می‌باشد.

۳۵- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، دو جنبه می‌یابد: «.....» و «.....».

۳۶- وقتی کسی می‌پرسد آن چیست؟ یعنی به آن شیء پی برده است، اما از آن بی‌خبر است.

۳۷- کودک با نشان می‌دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است.

۳۸- وجود وجه و ماهیت وجه موجودات است.

۳۹- هنگامی که سایه نامشخص چیزی را از دور مشاهده می‌کنیم، به آن چیز پی برده و از آن بی‌خبریم.

۴۰- ازدها، دیو، سیمرغ و ... از نمونه مفاهیمی هستند که از اطلاعی نداریم.

۴۱- از نگاه فلسفی «نمک طعام» (کلرید سدیم) موجودی است که دو مفهوم وجود و ماهیت از آن انتزاع می‌شود.

۴۲- تفاوت وجود و ماهیت تنها در ذهن و از حیث است.

۴۳- تشکیل شدن آب از دو مفهوم متفاوت و مختلف ناشی از نگاه به آن است.

۴۴- جنبه‌های مختلف آب از نگاه فلسفی نشان می‌دهد که وجود و ماهیت دو آب نیستند.

۴۵- ذات انسان چیزی جز نیست.

۴۶- حمل وجود بر انسان، نیازمند دلیل است، چون وجود انسان نیست.

۴۷- در حمل اولی ذاتی محمول از موضوع جدایی است.

۴۸- این‌گونه نیست که در فرض وجود و ماهیت، ماهیات قابل تفکیک نباشند.

۴۹- توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، نظریه «.....» را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد.

۵۰- زیادت وجود و ماهیت عنوان دیگری از مبحث می‌باشد.

■ (پ) گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۵۱- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن»، نشان می‌دهد که به اشیا پی برده است.

(۱) وجود
(۲) ماهیت

۵۲- در عبارت «این چیست؟» استفاده از کلمه «این» بیانگر کدام مورد نیست؟

(۱) آگاهی از ذاتیات شیء
(۲) قبول هستی شیء

۵۳- نیازمندی حمل وجود بر ماهیت به دلیل، مربوط به قدم در شناخت وجود و ماهیت است.

(۱) سوم
(۲) چهارم

۵۴- نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است.» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟

(۱) انسان حیوان است.
(۲) انسان مخلوق است.

۵۵- در کدام قضیه، محمول از اجزای ذاتی موضوع است؟

(۱) آهن، فلز است.
(۲) آب، شور است.

۵۶- کدام مورد می‌تواند دلیلی بر مغایرت وجود و ماهیت باشد؟

(۱) تصورکردن مفهوم دیو
(۲) تشکیل آب از اکسیژن و هیدروژن

۵۷- حمل کدام مورد بر «انسان» نیازمند دلیل است؟

(۱) جسم
(۲) موجود

۵۸- حمل بر «انسان» نیاز به دلیل ندارد.

(۱) ناطق
(۲) شاعر

۵۹- محمول در کدام یک از قضایای زیر، جزء مفهوم موضوع است نه عین آن؟

(۱) مثلث شکل است.
(۲) مثلث شکل سه‌ضلعی است.

۶۰- کدام اصل پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفت؟

(۱) مغایرت وجود و ماهیت
(۲) تقدم علت بر معلول

(نهایی دی ۱۴۰۳)

(نهایی دی ۹۸)

(نهایی فرورد ۱۴۰۱)

(نهایی دی ۱۴۰۱)

(نهایی فرورد ۱۴۰۳)

(نهایی دی ۹۹)

(نهایی دی ۱۴۰۰)

(نهایی دی ۱۴۰۳)

(نهایی فرورد ۱۴۰۱)

(نهایی فرورد ۱۴۰۲)

(نهایی دی ۱۴۰۱)

(نهایی فرورد ۹۹)

۶۱- برهان «وجوب و امکان» متعلق به کدام فیلسوف است؟

(۱) ابن سینا (۲) فارابی

۶۲- توماس آکوئیناس کدام یک از اصول زیر را در اروپا گسترش داد؟

(۱) وجوب و امکان (۲) مغایرت وجود و ماهیت

۶۳- فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد، مجدداً با فلسفه آشنا شدند. (نویی دی ۹۹)

(۱) افلاطون (۲) ارسطو

۶۴- مشخص کنید در کدام یک از گزاره‌های زیر، حمل محمول بر موضوع نیازمند دلیل است. چرا؟ (نویی دی ۱۴۰۲)

(۱) شتر حیوان است. (۲) انسان مخلوق است.

■ (ت) مشخص کنید نوع حمل در گزاره‌های زیر نیازمند به دلیل است یا بی‌نیاز از دلیل؟ (حمل شایع صناعی است یا اولی ذاتی؟)

۶۵- جیوه واقعی است.

۶۶- مثلث بی‌رنگ است.

۶۷- زمان کمیّت است.

۶۸- زمین دارای حیات است.

۶۹- مربع لوزی است.

۷۰- حمل گیاه بر کاکتوس

۷۱- حمل حیوان بر فیل

۷۲- مربع مستطیل است.

۷۳- حمل جاودانگی بر خدا

■ (ث) هر یک از موارد سمت راست را به گزینه مناسب در سمت چپ متصل کنید.

۷۴- حمل ماهیت بر ماهیت (الف) عینیت وجود و ماهیت

۷۵- حمل نیازمند به دلیل (ب) عروض وجود بر ماهیت

۷۶- تغایر وجود و ماهیت (پ) شایع صناعی

۷۷- اتحاد وجود و ماهیت (ت) اولی ذاتی

■ (ج) براساس نظریه «مغایرت وجود و ماهیت»، هریک از عبارات زیر را از جهت مقبول بودن و یا مردود بودن بررسی کنید.

۷۸- عینیت وجود و ماهیت در ذهن

۷۹- مغایرت وجود و ماهیت در عالم خارج

۸۰- وحدت وجود و ماهیت در عالم خارج

۸۱- عروض وجود بر ماهیت در عالم خارج

۸۲- زیادت وجود بر ماهیت در ذهن

■ (چ) هر یک از گزاره‌های زیر در صورت فرض جزئیت وجود و ماهیت است یا فرض عینیت یا هر دو؟

۸۳- همه ماهیات یکسان می‌شدند.

۸۴- تنوع موجودات قابل تبیین نبود.

۸۵- حمل وجود بر هیچ ماهیتی نیازمند دلیل نبود.

■ (ح) مطابق اصل «مغایرت وجود و ماهیت»، هر یک از موارد زیر نتیجه و محصول کدام قدم اثبات آن است؟

۸۶- مشترک بودن موجودات در وجود و تفاوت آن‌ها در ماهیت

۸۷- اصل واقعیت مستقل از ذهن

۸۸- جدایی‌پذیری محمول وجود از هر ماهیت

۸۹- یگانه بودن وجود و ماهیت در عین مغایرت ذهنی

۹۰- پی‌بردن به موجودیت، بدون رسیدن به شناخت ذات و ماهیت

■ (خ) براساس مبحث تمایز وجود و ماهیت جاهای خالی را تکمیل کنید.

۹۱- توجه خاص به این مبحث توسط

۹۲- طرح نظریه مغایرت وجود و ماهیت توسط

۹۳- مؤسس مکتب تومیسیم

۹۴- استفاده از این بحث در مکتب تومیسیم مطابق با برهان ابن سینا

۹۵- ارتباط دوباره فلاسفه غربی با ارسطو توسط

۹۶- براساس تقدم و تأخر تاریخی گزاره‌های زیر را به ترتیب روی خط زمان نشان دهید.

الف) تأسیس مکتب تومیس

ب) ارتباط مجدد فلاسفه غرب با اندیشه‌های ارسطو

پ) استفاده ابن سینا از مبحث مغایرت در برهان وجوب و امکان

ت) بیان نکات تمایز وجود و ماهیت توسط ابن سینا



د) به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

۹۷- دو نمونه از رفتارهای طبیعی انسان را مثال بزنید که بیانگر وجود امور واقعی در اطراف اوست.

۹۸- کودک با چه سؤالی تمایل خود را به شناخت ویژگی‌های مخصوص هر چیز ابراز می‌کند؟

۹۹- به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟

۱۰۰- ماهیت هر شیء چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

۱۰۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می‌کند، چه جنبه‌هایی را می‌یابد؟

۱۰۲- اگر بپذیریم چیستی‌هایی، ذهنی هستند که تاکنون وجود خارجی نداشته‌اند، چه اصلی در ذهن حاصل می‌شود؟

۱۰۳- علم شیمی و علم فلسفه هر کدام از چه منظری به «آب» می‌پردازند؟

۱۰۴- ماهیت و وجود «آب» در ذهن انسان به چه شکلی تمایز می‌یابد؟

۱۰۵- چرا در حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث»، نمی‌توان از دلیل حمل سؤال کرد؟

۱۰۶- انواع حمل در قضایا را نام ببرید.

۱۰۷- چرا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» نیاز به دلیل ندارد؟

۱۰۸- اثبات وجود داشتن ماهیات به چند طریق صورت می‌گیرد؟

۱۰۹- یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف غربی که نظریه وجود و ماهیت را پایه برهان‌های خود در خداشناسی قرار دادند، نام ببرید. (نهایی شهریور ۱۴۰۰ دی ۱۴۰۰)

ذ) به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۱۰- کدام اصل عقلی اولین قدم در شناخت هستی و وجود است؟ با مثال توضیح دهید.

۱۱۱- گام دوم در شناخت رابطه میان «هستی» و «چیستی» چیست؟

۱۱۲- هنگامی که می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، منظورمان چیست؟

۱۱۳- از دیدگاه ابن سینا وقتی می‌گوییم «آب و وجود، دو مفهوم از یک موجود هستند» به چه معنا می‌باشد؟ توضیح دهید. (نهایی فروردین ۱۴۰۲)

۱۱۴- سه نمونه از مفاهیمی که تقریباً با ماهیتشان آشناییم، اما از وجودشان اطلاعی نداریم را ذکر کنید.

۱۱۵- چرا حمل وجود بر «درخت» به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید. (نهایی فروردین ۱۴۰۲)

۱۱۶- دو قضیه مشابه قضیه «خودکار جسم است» مثال بزنید. (از نظر نیازمندی به دلیل یا بی‌نیازی از دلیل)

۱۱۷- تفاوت حمل «وجود» و حمل «ناطق» بر «انسان» را توضیح دهید. (نهایی دی ۹۹)

۱۱۸- در قضیه «انسان دارای دو پا است» حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد یا خیر؟ چرا؟

۱۱۹- اگر مفهوم «وجود» عین مفهوم «ماهیت» بود چه مشکلی پیش می‌آمد؟ (ذکر ۳ مورد)

۱۲۰- تفاوت حمل «شکل سه‌ضلعی» بر «مثلث» با حمل «وجود» بر «مثلث» چیست؟ توضیح دهید. (نهایی شهریور ۹۹)

۱۲۱- بیان دقیق و توجه خاص ابن سینا به بحث نسبت میان وجود و ماهیت چه تأثیری بر عقاید فلسفی در تفکر اسلامی داشت؟

۱۲۲- فلاسفه غرب چگونه توانستند مجدداً با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند؟

۱۶۴- رابطه میان محمول با موضوع، در قضیه «اسب بالدار ممکن الوجود است.» چیست؟

(نهایی دی ۱۴۰۱)

(۱) امکانی (۲) وجوبی

۱۶۵- کدام تصویر نشان دهنده «واجب الوجود بالغیر» است؟

(نهایی فرورد ۱۴۰۲)



۱۶۶- در کدام گزینه A یک واجب الوجود بالغیر است؟

(برگرفته از کنگور)

(۱) A خاکستر هیزمی است که می خواهیم در آتش بیندازیم. (۲) A حرکت مژگان چشم است، وقتی که پلک می زنیم.

۱۶۷- اگر مفهومی ذاتاً ممتنع الوجود باشد، پیداشدن علت وجود برای آن ممکن

(۱) است (۲) نیست

۱۶۸- موجودات عالم را با توجه به وضعیت فعلی شان می توان به تقسیم کرد.

(۱) واجب و ممکن (۲) واجب بالغیر و واجب بالذات

۱۶۹- وجود مفاهیم خیالی مانند بتمن و دیو سفید است.

(۱) محال (۲) ممکن

۱۷۰- رابطه بین موضوع «مستطیل» و رابطه ای وجوبی است.

(۱) چهارضلعی (۲) دارای اضلاع برابر

(نهایی دی ۱۴۰۳)

۱۷۱- در کدام یک از نسبت های قضایا، با تغییر کیفیت (است / نیست)، رابطه موضوع و محمول تغییر نمی کند؟

(۱) امتناعی (۲) امکانی

■ (ت) جدول های زیر را کامل کنید.

■ براساس نسبت های سه گانه در قضایا، جدول را کامل کنید.

(نهایی فرورد ۱۴۰۰)

۱۷۲-	الف:	مثال برای رابطه امکانی	پ:
	عدد ۲۵ فرد است.	ب:	مربع سه ضلعی است.

۱۷۳-	رابطه وجوبی	رابطه امکانی	پ:
	الف:	ب:	عدد چهار زوج است.

۱۷۴-	رابطه امکانی	ب:	پ:
	الف:	ممتنع الوجود بالذات موجود است.	ممکن الوجود بالذات موجود است.

■ رابطه وجود با هر یک از مفاهیم ذکر شده در جدول از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع؟

(نهایی دی ۱۴۰۰)

۱۷۵-	دیو	مثلث چهارضلعی	خدا
	الف:	ب:	پ:

۱۷۶-	سیاه سفید	دریایی از جیوه	پرنده
	الف:	ب:	پ:

۱۷۷-	مایع جامد	شریک خدا	روح
	الف:	ب:	پ:

۱۷۸-	کوه الماس	انسان	دیو
	الف:	ب:	پ:

۱۷۹-	سیمرغ	خورشید آبی	مربع مختلف الاضلاع
	الف:	ب:	پ:

(نهایی دی ۹۹)

(نهایی دی ۹۹)

۱۸۰- مثلثی با جمع زوایای ۱۲۰ درجه	انسان ۱۰ چشم	سیارهٔ طلائی
الف:	ب:	پ:

(نهایی شهریور ۱۴۰۱)

۱۸۱- رابطهٔ موضوع و محمول در هر یک از قضایای ذکرشده از نوع وجوبی است یا امکانی یا امتناعی؟

عدد پنج زوج است.	مربع شکل است.	این خانه بزرگ است.
الف:	ب:	پ:

(نهایی فروردین ۱۴۰۲)

۱۸۲- هر یک از موضوعات زیر را به لحاظ «واجب الوجود، ممکن الوجود یا ممتنع الوجود» بودن مشخص کنید.

بزرگ کوچک	مورچهٔ غول‌پیکر
الف:	ب:

(نهایی شهریور ۱۴۰۲)

۱۸۳- هر یک از موارد ذکرشده در جدول، واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود یا ممتنع الوجود؟

شیرین شور	فضایما	هندوانه
الف:	ب:	پ:

■ (ث) به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید.

۱۸۴- نسبت‌های چهارگانهٔ منطقی میان هر یک از مفاهیم زیر را مشخص کنید.

الف) واجب الوجود و ممکن الوجود

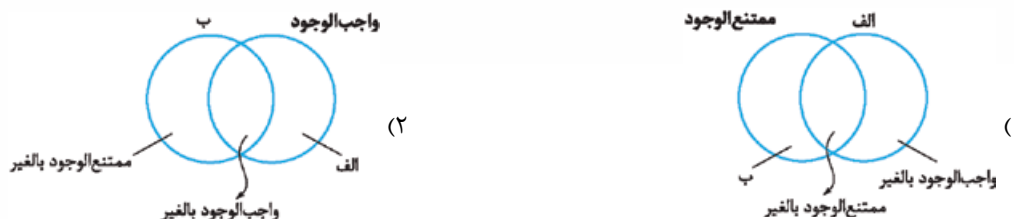
ب) ممکن الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر

پ) ممکن الوجود و واجب الوجود بالذات

ت) ممتنع الوجود بالغیر و ممکن الوجود بالذات

ث) ممتنع الوجود و ممکن الوجود

۱۸۵- هر یک از موارد الف و ب را در شکل‌های زیر به گونه‌ای بیان کنید که رابطهٔ عموم و خصوص من وجه در هر شکل برقرار باشد.



۱۸۶- دو نمونه از پرسش‌های بنیادی و اساسی بشر که هم‌چنان ثابت مانده‌اند را بیان کنید.

۱۸۷- رابطهٔ قضیهٔ «عدد هشت فرد نیست» کدام است؟

۱۸۸- برای هر کدام از «رابطهٔ امکانی» و «رابطهٔ امتناعی» دو مثال بزنید.

(نهایی دی ۱۴۰۳)

۱۸۹- با توجه به مفاهیم زیر، قضیه‌ای طراحی کنید که رابطهٔ موضوع و محمول آن ضروری باشد.

ممکن الوجود - انسان - واجب الوجود بالغیر

(نهایی شهریور و دی ۹۸)

۱۹۰- تعریف «واجب الوجود» را بیان کنید. (با ذکر مثال)

۱۹۱- در فرض موجودیت یک گیاه، چه رابطه‌ای میان وجود و گیاه برقرار شده است؟

۱۹۲- به موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطهٔ امکانی دارد و به موضوعی که نسبت به محمول وجود رابطهٔ حتمی دارد به ترتیب چه می‌گوییم؟

۱۹۳- آیا امور خیالی مانند سیمرغ، عنقا و دیو سفید امکان وجود دارند؟ اگر بله، با چه شرطی؟

۱۹۴- فرق رابطهٔ «وجود» و «انسان» با «وجود» و «شریک خدا» در چیست؟

۱۹۵- موجودات جهان از حیث ذات و از حیث موجود بودن، به ترتیب چه رابطه‌ای با وجود دارند؟

۱۹۶- اگر ممکن الوجودها را به ترازوی دوکفه‌ای تشبیه کنیم، در چه حالتی وجود آن‌ها میسر می‌شود؟

۱۹۷- نوزادی که تازه متولد شده از حیث ذات و از حیث وجود داشتن چه نامیده می‌شود؟

(نهایی فروردین ۱۴۰۳)

۱۹۸- در گزاره‌های زیر چه رابطه‌ای بین موضوع و محمول برقرار است؟ (وجوبی - امکانی - امتناعی)

الف) مثلث گرد موجود است. ب) دریایی از حیوه موجود نیست.

۱۹۹- اگر مفهومی در ذهن ما باشد ولی در عالم خارج نباشد، چند حالت از انواع ماهیات برایش قابل تصور است؟

۲۰۰- ممکن الوجودهایی که هنوز به وجود نیامده‌اند، از حیث عدم موجودیت چه نامیده می‌شوند؟

با توجه به توضیحات ارائه شده به سؤالات زیر پاسخ دهید.

■ هر یک از عبارات زیر، عقیده کدام فیلسوف است؟

(نهایی فرداد ۱۴۰۱)

۲۹۷- تداعی علیت چیزی جز حالت روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

(نهایی فرداد ۱۴۰۱)

۲۹۸- اصل علیت جزء اصول اولیه‌ای است که درک انسان از آن فطری است.

(نهایی فرداد ۱۴۰۳)

۲۹۹- درک رابطه ضروری علت و معلول از طریق حس و مشاهده توالی یا همزمانی پدیده‌هاست.

۳۰۰- حس فقط می‌تواند اجسام، رنگ‌ها و اموری از این قبیل را نشان دهد.

۳۰۱- ذهن انسان پس از درک اصل امتناع اجتماع نقیضین می‌فهمد که حوادث خودبه‌خود رخ نمی‌دهند.

۳۰۲- انسان از طریق حس، همزمانی پدیده‌ها را مشاهده می‌کند.

۳۰۳- انسان با درکی از رابطه علیت، متولد می‌شود.

■ از بین مثال‌های زیر، رابطه وجودی و بعد از وجود را مشخص کنید.

۳۰۴- گرما و آب شدن یخ

۳۰۵- سرما و انجماد

۳۰۶- کارمند و مدیر

۳۰۷- باد و حرکت برگ درختان

■ هر یک از ابیات زیر، ناظر به کدام یک از اصول سه‌گانه فلسفی است؟

۳۰۸- گه بکاری برنیاید گندمی مردمی جو مردمی جو مردمی

۳۰۹- هر قضایی سببی دارد و من در غم دوست اجلم می‌کشد و درد فراقش سبب است

۳۱۰- خشک‌ابری که بُود ز آب تهی ناید از وی صفت آبدهی

۳۱۱- پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

■ هر یک از واژه‌های زیر، تداعی‌کننده کدام اصل فلسفی است؟

۳۱۲- اتصال و پیوستگی

۳۱۳- حتمیت

۳۱۴- نظام معین هستی

۳۱۵- تخلف‌ناپذیری

■ متن زیر را بخوانید و در صورت وجود اشتباه، آن را بازنویسی کنید.

۳۱۶- آمپرست‌ها یا تجربه‌گرایان معتقدند که از طریق توالی میان پدیده‌ها می‌توان علیت را تداعی کرد (الف). هیوم فیلسوف تجربه‌گرای قرن هجدهم علیت را رابطه ضروری ناشی از تداعی توالی می‌داند (ب)، اما دیگر فلاسفه مسلمان عقل‌گرا مانند دکارت، نظری مغایر با فلاسفه تجربه‌گرا دارند (پ). آن‌ها علیت را بی‌نیاز از آموزش می‌دانند (ت) و به شکل‌گیری آن بعد از تشکیل ذهن انسان قائل هستند. (ث)

■ هر یک از مثال‌های زیر، از نتایج پذیرش کدام اصل فلسفی است؟

۳۱۷- باغبان بذر گل نرگس می‌کارد و آن را آبیاری می‌کند و انتظار رشد آن را دارد.

۳۱۸- صنعتگر برای کار خود برنامه‌ریزی می‌کند.

۳۱۹- راننده خودروی بدون نقصش را روشن و به جلو هدایت می‌کند.

۳۲۰- پزشک برای مداوای بیماری که سردرد دارد، استامینوفن تجویز می‌کند.

۳۲۱- بعد از حرکت خودرو، از زمین گرد و خاک بلند می‌شود.

۳۲۲- تلاش یک راننده اتومبیل برای کشف مشکل خودرواش که امروز برخلاف همیشه حرکت نمی‌کند.

■ (ث) اصطلاحات زیر را تعریف کنید.

۳۲۳- علت:

۳۲۴- معلول:

۳۲۵- تداعی علیت:

۳۲۶- اصل امتناع اجتماع نقیضین:

۳۲۷- اصل سنخیت:

۳۲۸- اصل وجوب علی و معلولی:

۳۲۹- رابطه وجودی:

(نهایی شهریور ۹۹ و ۱۴۰۲)

- ۴۲۳- اگر کسی بگوید در برخی موارد در عین وجود علت تامه، معلول به وجود نمی‌آید، این فرد «اتفاق» به کدام معنا را پذیرفته است؟ (نهایی فرداد ۹۹)
- (۱) نفی علت
(۲) نفی ضرورت علی و معلولی
- ۴۲۴- علت تامه، شرط برای به وجود آمدن معلول است.
- (۱) کافی
(۲) لازم و کافی
- ۴۲۵- به هر یک از عوامل پدیدآورنده یک معلول، علت می‌گویند.
- (۱) تامه
(۲) ناقصه
- ۴۲۶- به آن علتی که ممکن‌الوجود بالذات را به واجب‌الوجود بالغیر تبدیل می‌کند، چه می‌گویند؟
- (۱) علت ناقصه
(۲) علت تامه
- ۴۲۷- «صادرشدن معلول بی‌ربط به علت» از نتایج پذیرفتن کدام معنای «اتفاق» است؟
- (۱) معنای اول (نفی علت و وجوب علی و معلولی)
(۲) معنای دوم (نفی سنخیت)
- ۴۲۸- معلول در حضور یا عدم حضور علت ناقصه به ترتیب حالت و را دارد.
- (۱) واجب‌الوجود - ممکن‌الوجود
(۲) ممکن‌الوجود - ممکن‌الوجود
- ۴۲۹- کسی که اصل علت و لوازم آن را در جهان طبیعت قبول دارد، احتمال دارد چند معنای اتفاق را بپذیرد؟
- (۱) دو معنا
(۲) یک معنا
- ۴۳۰- در بیت «از جمادی مُردم و نامی شدم / و ز نما مُردم به حیوان بر زدم» کدام معنای اتفاق انکار شده است؟
- (۱) نفی سنخیت
(۲) نفی غایت‌مندی
- ۴۳۱- نفی معنای سوم اتفاق فقط با امکان‌پذیر است.
- (۱) قبول خداوند
(۲) نفی خداوند
- ۴۳۲- فیلسوفی که در سخنرانی خود وجود قانون و نظم را در جهان انکار می‌کند و سپس برای ادامه سخنرانی آب می‌نوشد:
- (۱) قطعاً معنای سوم اتفاق را قبول ندارد.
(۲) واقعاً معنای سنخیت را انکار نکرده است.
- ۴۳۳- کدام‌یک از معانی اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علت در تعارض نیست؟
- (۱) رخ دادن حادثه پیش‌بینی‌نشده
(۲) نفی غایت‌مندی
- مشخص کنید هر یک از عبارات زیر می‌تواند ناظر به کدام معنای اتفاق باشد.
- ۴۳۴- خط‌خطی کردن کاغذ بدون دلیل
- ۴۳۵- حرکت نکردن خودروی سالم
- ۴۳۶- فوت بیمار کرونایی بر اثر تزریق اشتباه دارو
- ۴۳۷- روشن نشدن چراغ اتاق با فشاردادن کلید
- ۴۳۸- شور شدن چای بر اثر ریختن شکر در آن
- هر یک از ابیات زیر به کدام معنای اتفاق اشاره دارد؟
- ۴۳۹- از قضا سرکنگبین صفرا فزود
- ۴۴۰- اگر بخت و اقبال یاری کند
- ۴۴۱- لیک زورگویان عالم غافلند
- ۴۴۲- دمی با نیک‌خواهان متقی باش
- ۴۴۳- سعدی! مگر از خرمن اقبال بزرگان
- ۴۴۴- خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم
- (ث) با توجه به معانی اتفاق هر یک از موارد ستون (الف) با یکی از موارد ستون (ب) ارتباط دارد، آن را مشخص کنید.
- | ستون (الف) | ستون (ب) |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| ۴۴۵- معنای اول (نفی ضرورت) | ۱- رسیدن به گنج حین حفاری چاه |
| ۴۴۶- معنای دوم (نفی سنخیت) | ۲- باریدن برف با وجود نقص در علت تامه |
| ۴۴۷- معنای چهارم (پیش‌بینی نکردن) | ۳- رفع گرسنگی و سیرشدن بدون تغذیه |
| | ۴- ساخت خانه بدون طرح و نقشه قبلی |

■ (ج) با توجه به معانی اتفاق، در مثال‌های زیر کدام‌یک از موارد «سنخیت، وجوب و غایت» انکار شده است؟ (نهایی دی ۱۴۰۲)

نباریدن باران با پیدایش همه عوامل	یخ زدن آب بر اثر حرارت	برخورد اتفاقی ذرات سرگردان در فضای غیرمتمنهای
نفی ۴۴۸-	نفی ۴۴۹-	نفی ۴۵۰-